

# Higher Education and the Labor Market: Examining the Curriculum Compliance with the required Education of Jobs by Mediation of Entrepreneurial Competency

Mohammad Hassani<sup>1</sup>

## Abstract

**Objective:** As one of the two main levers of education, the higher education system is responsible for training a large part of skilled and efficient human resources required by the labor market at different levels and disciplines. therefore, the purpose of this study was to investigate the effect of educational program quality on the mismatch of education required by jobs with respect to the mediating role of entrepreneurial competencies in the graduates.

**Materials and methods:** This research was applied in terms of purpose and according to the method was descriptive and based on structural equation modeling. The study's statistical population involved 9335 employed graduates of Urmia University in the 2016-2021 academic years. Random sampling method was used for selecting 411 of these graduates as the sample of the study. To collect data, used from the questionnaires of horizontal and vertical mismatch by Chavadi et al. (2022), curriculum quality by Mohammad Shafi et al. (2020) and entrepreneurial competence by Janso Solu et al. (2022) which validity and reliability were reviewed and approved.

**Discussion and conclusion:** The results of the research indicated that the quality of the curriculum had a significant and negative effect on education-job mismatch ( $t=-4.28$ ,  $P<0.01$ ) and had a direct effect on the entrepreneurial competence ( $t=3.36$ ,  $P<0.01$ ) and there was a negative and significant relationship between entrepreneurial competence and education-job mismatch ( $t=-5.53$ ,  $P<0.01$ ); Entrepreneurial competence had a mediating role in the relationship between curriculum quality and education-job mismatch ( $\beta = 0.06$ ,  $P < 0.01$ ). so, paying attention to curriculum development based on entrepreneurial competencies is able to provide technical skills, with the development of soft skills of graduates, placement of them in jobs related to their academic fields.

**Keywords:** education-job mismatch, curriculum quality, entrepreneurial competence, labor market

---

1. Professor, Department of Educational Sciences, Urmia University, Urmia, Iran.

# آموزش عالی و بازار کار: بررسی تطابق برنامه درسی با تحصیلات مورد نیاز مشاغل با

## میانجیگری شایستگی کارآفرینانه

محمد حسنی<sup>۱</sup>

### چکیده

**هدف:** نظام آموزش عالی به عنوان یکی از دو اهرم اصلی تعلیم و تربیت، مسئولیت تربیت بخش عظیمی از نیروی انسانی متخصص و کارآمد مورد نیاز بازار کار را در سطوح و رشته‌های مختلف برعهده دارد. از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی میزان تاثیر کیفیت برنامه درسی بر عدم تطابق تحصیلات مورد نیاز مشاغل، با توجه به نقش میانجی شایستگی کارآفرینانه در فارغ‌التحصیلان شاغل بود.

**مواد و روش‌ها:** این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و با توجه به روش، توصیفی و مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل ۹۳۳۵ نفر از فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی دانشگاه سراسری ارومیه از سال ۱۳۹۵ تا سال ۱۴۰۰ بود که از این بین ۴۱۱ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های عدم تطابق افقی و عمودی چاوادری و همکاران (۲۰۲۲)، کیفیت برنامه درسی محمدشفیعی و همکاران (۱۳۹۹) و شایستگی کارآفرینانه جانسو سولو و همکاران (۲۰۲۲) که روایی و پایایی آن‌ها مورد بررسی و تایید قرارگرفت؛ استفاده شد.

**بحث و نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش حاکی از این بود که کیفیت برنامه درسی تاثیر معنادار و منفی بر عدم تطابق تحصیل-شغل ( $P < 0/01$ )، ( $t = -4/28$ ) و تاثیری مستقیم بر شایستگی کارآفرینی داشته ( $t = 3/36, P < 0/01$ ) و بین شایستگی کارآفرینی با عدم تطابق تحصیل-شغل نیز رابطه‌ای منفی و معنادار برقرار بود ( $t = -5/53, P < 0/01$ )؛ شایستگی کارآفرینانه در رابطه بین کیفیت برنامه درسی با عدم تطابق تحصیل-شغل نقشی میانجی داشت ( $\beta = -0/06, P < 0/01$ ). لذا توجه به تدوین برنامه درسی مبتنی بر شایستگی‌های کارآفرینانه قادر است در کنار ارائه مهارت‌های تخصصی، با گسترش مهارت‌های نرم دانش‌آموختگان، جایابی آن‌ها را در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی دانشگاهی‌شان تسهیل نماید.

**واژه‌های کلیدی:** عدم تطابق تحصیل-شغل، کیفیت برنامه درسی، شایستگی کارآفرینانه، بازار کار

۱. استادگروه علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

تغییرات سریع بازار کار در سال های اخیر، تقاضای ارائه برنامه های آموزشی مرتبط با زندگی واقعی فراگیران و هم سو با نیازهای بازار کار از جانب کارفرمایان و سیاست گذاران نظام های آموزشی را افزایش داده است (چان و لین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). تامین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز بازار کار با کمیت و کیفیت مطلوب، از کارکردهای اساسی و مهم دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی می باشد و یکی از مولفه های مهم برای قضاوت درباره کارآیی داخلی و خارجی نظام های آموزش عالی، کیفیت آموزش نیروی انسانی در هماهنگی با نیازها و تغییرات بازار کار است (ابونوری، زارع زاده، ۱۳۹۳). عدم توجه به این امر، منجر به تربیت دانش آموختگانی خواهد شد که بین دانش و مهارت های آنان با نیازها و الزامات مشاغل تنا سبی وجود ندارد (هنمن و لیفனர்<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). در این میان، شواهد حاکی از عدم تطابق آموزش های ارائه شده در دانشگاه با نیازهای واقعی بازار کار است؛ که یکی از نتایج این عدم تطابق، افزایش روزافزون شمار بیکاران تحصیل کرده در مقاطع بالای تحصیلی است (درتومی، سلیمی فر و ملک الساداتی، ۱۳۹۶). شغل بسیاری از افراد شاغل، یا اصلا ارتباطی با رشته تحصیلی دانشگاهی شان ندارد و یا این ارتباط بسیار محدود است که همگی حاکی از عدم تطابق تحصیل - شغل است (شکوری و بهادری، ۱۳۹۸). اشتغال در شغلی غیرمرتبط با رشته تحصیلی تخصصی برای فارغ التحصیلان دانشگاهی می تواند نامطلوب تلقی شود؛ به ویژه در صورتی که فرد امکان بهره مندی کامل از دانش و مهارت هایی را که از طریق آموزش رسمی کسب کرده است، نداشته باشد. از همین رو و با توجه به نظریه سرمایه انسانی، زیان های اقتصادی بالقوه مرتبط با استفاده ناکافی از مهارت ها باعث می شود تا پدیده ی عدم تطابق افقی تحصیل - شغل به یک پدیده نامطلوب تبدیل شود (سامرز، کابوس، گروت و ون دن برینک<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹).

عدم تطابق تحصیل - شغل<sup>۴</sup> به صورت انواع گوناگونی از شکاف یا عدم تعادل در مهارت ها و دانش یا ویژگی هایی که ماهیت کمی یا کیفی دارند، نمایان می شود و از منظر آموزش، عدم تطابق زمانی رخ می دهد که فردی برای انجام یک شغل، بیش از حد نیاز یا کمتر از آن آموزش دیده باشد (پیتان و آددجی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲). به وضعیتی که در آن سطح مدرک تحصیلی فرد با سطح مدرک مورد نیاز برای شغل او مطابقت ندارد، عدم تطابق عمودی گفته می شود. آموزش بیش از حد (تحصیلات فرانیاز<sup>۶</sup>) به عنوان یکی از وجوه این عدم تطابق عمودی، زمانی به وجود می آید که فرد در شغلی به کار گرفته شود که مستلزم مدرک تحصیلی پایین تری نسبت به شغلی است که دارد و کم تحصیلی (تحصیلات فرونیاز<sup>۷</sup>) نیز زمانی مطرح می شود که فرد دارای مدرک تحصیلی کمتر از سطح مورد نیاز برای شغل خود باشد. در عین حال، زمانی حالت عدم تطابق افقی رخ می دهد که نوع شغل مشخص شده فرد برای او مناسب نباشد (پارک<sup>۸</sup>، ۲۰۱۸). عدم تطابق افقی و عمودی هر دو می تواند منجر به بروز جریمه دستمزد بالا برای شاغلین شود (ماهوتائو<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۵)؛ اما عدم تطابق افقی نسبت به عدم تطابق عمودی، تاثیر بیشتری بر حقوق فارغ التحصیلان دانشگاهی و رضایت شغلی آنان دارد و به همان اندازه ممکن است منجر به هدر رفتن قابل توجه سرمایه انسانی انباشته شود (راداکو، فیگردو، تیکزیرا و راشین<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۹). عدم تطابق افقی همچنین احتمال تجربه پشیمانی فرد از تحصیل در رشته ای خاص را افزایش می دهد که با هزینه های قابل توجهی همراه است (کوکل و ویلاتابوفی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۹). از این منظر، این شکل از عدم تطابق ممکن است نشان دهد که فرآیند شکل گیری مهارت ها و تخصیص این مهارت ها در بازار چندان مطلوب نبوده است (سامرز و همکاران، ۲۰۱۹). شایان توجه است که در دهه

<sup>1</sup> . Chan & Lin

<sup>2</sup> . Hennemann & Liefner

<sup>3</sup> . Somers, Cabus, Groot & van den Brink

<sup>4</sup> . Education-Job mismatch

<sup>5</sup> . Pitan & Adedeji

<sup>6</sup> . Over-Education

<sup>7</sup> . Under-education

<sup>8</sup> . Park

<sup>9</sup> . Mahuteau

<sup>10</sup> . Rudakov, Figueiredo, Teixeira & Roshchin

<sup>11</sup> . Kucel & Vilalta-Buff

گذشته، به طور کلی نیروی کار تحصیل کرده‌تر شده است و نسبت شاغلین دارای مدارک دانشگاهی افزایش یافته و باعث بروز نوعی از عدم تطابق کلی در سطوح مهارت مورد نیاز مشاغل با بالاترین مدارک تحصیلی شاغلین گردیده است که نشان می‌دهد تعداد زیادی از شاغلین دارای سطوحی از مدارک تحصیلی هستند که بیشتر از الزامات مهارتی مورد نیاز برای شغلشان است (اودویر و وایت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). کارمندی که در شرایط عدم تطابق تحصیل- شغل قرار می‌گیرد، شایستگی کمتر، صلاحیت پایین‌تر و موفقیت محدودتری را در ارتباط با مشارکت کاری و سازمانی از خود نشان می‌دهد (واردانی، سکارینی، سیاپوترا و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱) و ارتباط ضعیفی بین نقش و ارزش سازمانی خود داشته و انگیزه کمتری برای انجام وظایف خود دارد (برایت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸؛ پری<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۰؛ استاین<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸؛ وارن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳؛ رایت و پاندی، ۲۰۰۸<sup>۷</sup>). این چالش مهم و اساسی ناشی از عدم همسویی برنامه درسی در پرکردن شکاف بین مهارت‌های به دست آمده در دانشگاه‌ها و مهارت‌های لازم در بازار کار می‌باشد (زیمر و کیپر<sup>۸</sup>، ۲۰۲۱) و تحقیقات بسیاری به ناهماهنگی آموزش‌های ارائه شده در دانشگاه‌های مختلف با توسعه این مهارت‌ها اشاره داشته‌اند (ایگو، لاک و روگارا<sup>۹</sup>، ۲۰۲۲؛ تانجا و بالا<sup>۱۰</sup>، ۲۰۲۳) و حاکی از تاثیر آموزش‌های ارائه شده در دانشگاه با عدم تطابق تحصیل- شغل در فارغ‌التحصیلان بوده‌اند (به عنوان مثال، کونوا و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۲۰؛ پومی و سلزنوا<sup>۱۲</sup>، ۲۰۲۱).

برنامه درسی<sup>۱۳</sup> به عنوان قلب نظام آموزشی، شامل طیف وسیعی از فرصت‌های یادگیری است که توسط موسسات آموزشی و در قالب یک دوره برنامه‌ریزی شده به فراگیران ارائه می‌شود و به صورت رسمی مورد سنجش و ارزشیابی قرار می‌گیرد (گاسپر و ایفنتالر<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۴) و ابزاری برای تحقق اهداف آموزش عالی است (ریبولو و ایورزیبالد<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۴). عناصر برنامه درسی باید با توجه به اهداف مهارت‌محوری و اشتغال‌زایی تدوین و جهت‌گیری جدی‌تری در جهت ایجاد شایستگی‌های لازم در زمینه‌های عمومی و تخصصی دانشجویان داشته باشند تا بتوانند پاسخگوی نیازهای دنیای کار باشند (محمد شفیع و همکاران، ۱۳۹۹). هدف از ارزیابی کیفیت برنامه درسی نیز شناسایی میزان تناسب عناصر برنامه درسی با اهداف و وظایف موسسات آموزشی و میزان پاسخگویی این برنامه به نیازهای در حال تغییر جامعه و بازار کار است (ترکزاده، مرزوقی، محمدی و همکاران، ۱۳۹۵). در جوامع توسعه یافته، آموزش عالی در مقطع کارشناسی به سمت مهارتی شدن حرکت کرده است و در کشور ما نیز، به عنوان پایه‌ای برای تحصیلات تکمیلی، لازم است که نظام آموزش عالی به ویژه در دوره‌های کارشناسی و خصوصا در برخی رشته‌های تخصصی به سمت مهارت‌محوری و پاسخگویی به نیازهای بازار کار حرکت کند و از همین‌رو مسئله کیفیت در تجربه دوره کارشناسی به ویژه در برخی رشته‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (عابدینی بلتریک و کمالی اردکانی، ۱۴۰۰). اما تحقیقات انجام شده در زمینه اشتغال دانش‌آموختگان در ایران نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی نظام آموزشی از توفیق چندانی برخوردار نبوده و دانش‌آموختگان پس از ورود به حوزه شغلی به دلیل نداشتن شایستگی‌های لازم، موجب اتلاف هزینه و کاهش اثربخشی در حیطه شغلی‌شان می‌شوند (مومنی مهموئی، کاظم پور و تفرشی، ۱۳۹۰؛ شیرجنگ، علیزاده، مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۱) و نداشتن مهارت‌های موردنیاز بازار کار، باعث ایجاد انتقادات به

1. O'Dwyer, & White

2. Wardani, Sekarini, Syaputra et al.

3. Bright

4. Perry

5. Steijn

6. Warren

7. Wright & Pandey

8. Zimmer & Keiper

9. Igwe, Lock & Rugara

10. Taneja & Bala

11. Kohnová et al.

12. Pompei & Selezneva

13. Curriculum

14. Gosper & Ifenthaler

15. Rebollo & Ivars Baidal

عملکرد نظام آموزش عالی گردیده است (یائو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). از همین رو نظام‌های آموزش عالی جهان برای افزایش بهره‌وری و بهبود کیفیت زندگی کاری دانش‌آموختگان، آموزش‌های مهارتی را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده‌اند (الوری و الوری<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸). موسسات آموزش عالی دانشجویان را با تمرکز بر مهارت‌های انضباطی، آکادمیک و فنی آموزش می‌دهند، در حالی که اغلب آنها در کنار این شایستگی‌های تخصصی، فاقد سایر مهارت‌های مهم اشتغال‌پذیری یا مهارت‌های نرم هستند. در همین راستا، توسعه مهارت‌ها و شایستگی‌های کارآفرینی<sup>۳</sup> از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا این شایستگی‌ها و مهارت‌ها از موضوعات مرتبط با کلیه رشته‌ها و مورد نیاز در تمام مشاغل مدرن و مسیرهای حرفه‌ای شغلی هستند (ونسار، آنتونلی، دروزینسکی و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱). شایستگی‌های کارآفرینی به‌عنوان ویژگی‌هایی اساسی مانند دانش عمومی و تخصصی، انگیزه‌ها، صفات، خودآنگاره‌ها، نقش‌های اجتماعی و مهارت‌هایی تعریف می‌شوند که منجر به شروع، تداوم یا بقای فعالیتی ریسک‌پذیرانه می‌شوند (بیرد<sup>۵</sup>، ۲۰۱۹). نیشا و راجاسکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۸) نیز انواع مختلفی از این مهارت‌ها مانند مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های کار تیمی، مهارت‌های حل مسئله، مهارت‌های هوش هیجانی، مهارت‌های خود ارزیابی، مهارت‌های رهبری، مهارت‌های محاسباتی، مهارت‌های بین فردی، مهارت‌های کارآفرینی، مهارت‌های تحلیلی و غیره را معرفی می‌کنند و تأکید می‌کنند که داشتن این شایستگی‌ها و مهارت‌ها می‌تواند به فارغ‌التحصیلان جوان کمک کند تا در حرفه خود پیشرفت کنند (نیشا و راجاسکاران، ۲۰۱۸). هدف آموزش عالی کارآفرینانه، فراهم کردن پایه‌های دانش و تحریک تفکر کارآفرینانه در دانشجویان است (اخمتشین، مولر، یاماشو و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۹). بنابراین دانشگاه‌ها باید به طور مناسب برنامه‌های درسی تمرین کارآفرینی را افزایش دهند تا شایستگی و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان را پرورش دهند (وانگ و مانگمیچای<sup>۸</sup>، ۲۰۲۲). برنامه‌هایی که مهارت‌های کارآفرینی را ارتقا می‌دهند به جلوگیری از عدم تطابق در شغل اولیه فرد کمک می‌کنند و در صورت مشاهده عدم تطابق در اولین شغل فرد، به خروج او از این وضعیت منجر می‌شوند (کوکل و ویلاتابوفی، ۲۰۱۹). سطوح بالاتر مهارت‌های کارآفرینی، احتمال تحصیل بیش از حد را برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کاهش می‌دهد و به افراد کمک می‌کند تا مشاغل بهتری به دست آورند، حتی اگر به جای مشاغل خوداشتغالی به دنبال شغلی با دریافت حقوق باشند (کوکل، رابرت، بویل و مسفرر<sup>۹</sup>، ۲۰۱۶).

از این رو و با توجه به نیاز فزاینده به کسب مهارت‌های مورد نیاز که سازگاری پایدار با الزامات بازار کار آینده را ممکن می‌سازد، سیستم‌های آموزشی تحت فشار هستند تا از آموزش با کیفیت اطمینان حاصل کنند و این مهارت‌ها را به طوری فزاینده در برنامه‌های درسی خود بپذیرند. تمرکز بر این مهارت‌ها در آماده‌سازی دانشجویان برای ورود به بازار کار از اهمیتی ویژه برخوردار است و از طریق افزایش قابلیت اشتغال می‌تواند به یکی از اولویت‌های اساسی نظام آموزش عالی تبدیل شود (هابز، سافرز، هیجدن و پترز<sup>۱۰</sup>، ۲۰۲۰). در همین راستا و با توجه به نقشی که فارغ‌التحصیلان می‌توانند در توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و گسترش مولفه‌های آمایش سرزمینی داشته باشند، پژوهش حاضر در تلاش برای بررسی میزان تاثیر کیفیت برنامه درسی دانشگاه در راستای تربیت نیروی انسانی ارزش‌آفرین بوده است. از دیدگاه نوآورانه می‌توان گفت شاید پژوهش حاضر از اولین و معدود پژوهش‌هایی است که در سطح کشور، ضمن مطالعه برنامه درسی دانشگاهی، به بررسی تاثیر ویژگی‌ها و مولفه‌های کارآفرینانه بر عدم تطابق تحصیلات و شغل فارغ‌التحصیلان دانشگاهی پرداخته است و با توجه به شکاف مطالعاتی موجود در زمینه تاثیر کیفیت آموزش‌های رسمی دانشگاهی بر تطابق یا عدم تطابق تحصیل - شغل دانش‌آموختگان و نیز توجه به توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه حاصل از این برنامه‌های رسمی بر کارایی بالاتر آن‌ها، در تلاش برای پاسخگویی به این سوال است که، تاثیر کیفیت برنامه درسی ارائه شده در دانشگاه، با میانجی

1. Yao

2. Olori & Olori

3. Entrepreneurial skills

4. Venesaar, Antonelli, Dorożyński, et al

5. Bird

6. Nisha & Rajasekaran

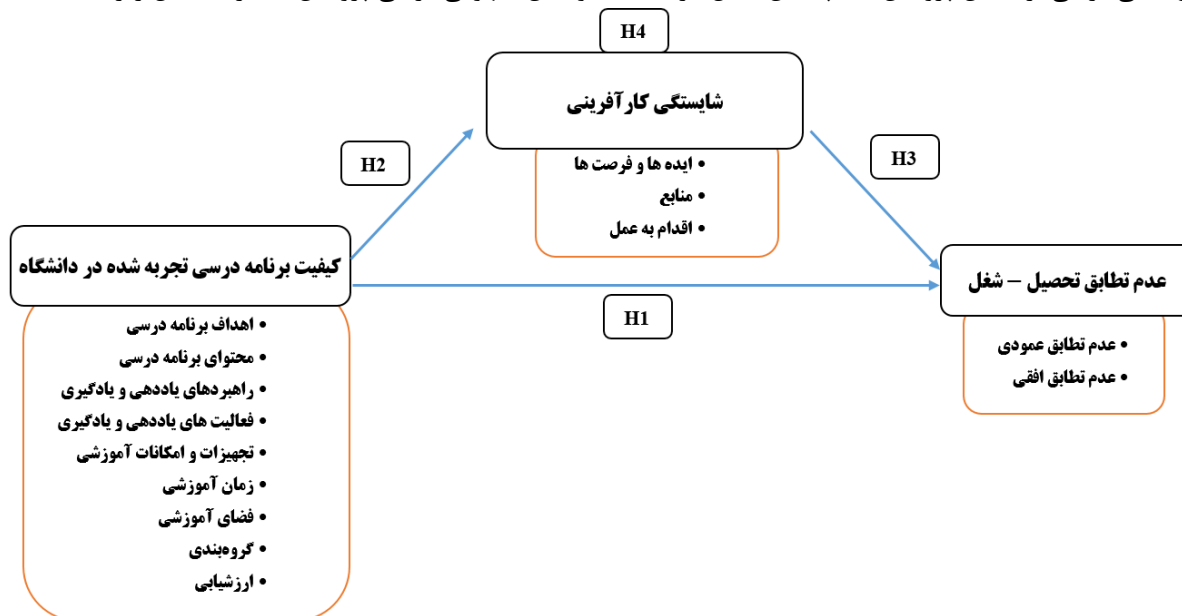
7. Akhmetshin, Mueller, Yumashev et al

8. Wang & Mangmeechai

9. Kucel, Róbert, Buil & Masferrer

10. Habets, Stoffers, Heijden & Peters

گری شایستگی کارآفرینی بر عدم تطابق تحصیلات - شغل دانش آموختگان چگونه است؟ این مقاله با رویکردی بین رشته‌ای و با آزمون مدلی فرضی بر اساس پژوهش‌های پیشین شکل گرفته است و مدل مفهومی فرضی پژوهش حاضر به شکل زیر است:



شکل ۱. مسیرهای مدل فرضی نقش شایستگی کارآفرینانه در رابطه بین کیفیت برنامه درسی با عدم تطابق تحصیل - شغل

بر اساس مدل مفهومی مطرح شده فرضیات پژوهش، به قرار ذیل است:

- کیفیت برنامه درسی دانشگاه بر عدم تطابق تحصیلات - شغل فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شاغل تاثیر دارد.
- کیفیت برنامه درسی دانشگاه بر شایستگی‌های کارآفرینانه در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شاغل تاثیر دارد.
- شایستگی‌های کارآفرینانه بر عدم تطابق تحصیلات - شغل در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شاغل تاثیر دارد.
- شایستگی‌های کارآفرینانه در تاثیرگذاری کیفیت برنامه درسی دانشگاه بر عدم تطابق تحصیل - شغل فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شاغل نقش میانجی دارد.

### میانی نظری و پیشینه پژوهش

**عدم تطابق تحصیل - شغل:** مطالعات قبلی و دیدگاه عمومی، عدم تطابق آموزشی را نتیجه‌ای غیرارادی از اصطکاک‌های بازار کار و فقدان فرصت‌های شغلی در حوزه تحصیلی فرد می‌دانند (استبرو، چن و تامپسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱، سیرانوسکی، گیلبرت، لدفورد و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱، استفان<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲) و مطابق با این دیدگاه، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که در یک اقتصاد ضعیف وارد بازار کار می‌شوند، احتمال بیشتری دارد که دچار عدم تطابق تحصیل - شغل باشند (اوروپولوس، وان‌واچر، هیز<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲؛ اور<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶؛ استونز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸). فرصت‌های بازار کار ممکن است برای شاغلین با تحصیلات عالی و توانایی بالاتر بهتر باشد؛ زیرا میزان بهره‌وری این افراد بالاتر است و کارفرمایان باید آنها را بر کارکنان خود که بهره‌ی کمتری دارند، ترجیح دهند (آگاروال و اوهایما<sup>۷</sup>، ۲۰۱۳؛ استرن<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴)؛ از سوی دیگر، ممکن

1. Åstebro, Chen & Thompson

2. Cyranoski, Gilbert, Ledford, et al.

3. Stephan

4. Oreopoulos, Von Wachter & Heisz

5. Oyer

6. Stevens

7. Agarwal & Ohyama

8. Stern

است تعداد مشاغلی که نیاز به بهره‌گیری از مهارت‌ها و تحصیلات عالی هستند، محدود باشد و خطر بروز عدم تطابق را برای کارکنان دارای تحصیلات عالی افزایش دهد (استفان، ۲۰۱۲؛ سائورمن و راج<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶؛ سیرانوسکی و همکاران، ۲۰۱۱). عدم تطابق تحصیل-شغل می‌تواند به دو شکل عمودی و افقی پدیدار شود (درتومی، سلیمی‌فر و ملک‌الساداتی، ۱۳۹۶). عدم تطابق افقی به معنای تفاوت بین زمینه تحصیلی و نوع کاری است که فرد به آن مشغول است و عدم تطابق عمودی به تفاوت بین سطح تحصیلات و کاری که فرد به آن اشتغال دارد، اشاره می‌کند (واردانی و همکاران، ۲۰۲۱). درواقع استخدامی که به مهارت‌های یک فارغ‌التحصیل مرتبط نباشد یک عدم تطابق افقی است از سوی دیگر، استخدام فردی که واجد تحصیلات بیشتر یا کمتر از نیاز یک شغل باشد، یک عدم تطابق عمودی است. عدم تطابق افقی بیشتر نشان می‌دهد که یک سیستم آموزشی ناکارآمد است، زیرا در توسعه طیف گسترده‌ای از مهارت‌های تخصصی شکست می‌خورد (ورهاس و همکاران، ۲۰۱۵). به بیانی می‌توان گفت از جمله دلایل بروز این شکاف بین تحصیلات آکادمیک و مهارت‌های مورد نیاز در بازار کار ایران ناشی از برنامه‌های درسی دانشگاهی، عدم توجه به مهارت‌های عملی و کارآفرینانه در برنامه درسی، پیوند ضعیف دانشگاه با صنعت و جامعه و کمبود منابع و تجهیزات دانشگاهی به ویژه در برخی رشته‌ها است (نظرزاده و پروین، ۲۰۲۳).

**برنامه درسی:** برنامه درسی هسته اصلی تمام برنامه‌ها و محور فعالیت‌های تعلیم و تربیت دانشگاهی و ابزاری برای تحقق اهداف نظام آموزش عالی (ربولو و ایوارس بیدال<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴) و شامل طیف وسیعی از فرصت‌های یادگیری است که توسط موسسات آموزشی و در قالب یک دوره برنامه‌ریزی‌شده به فراگیران ارائه می‌شود و به صورت رسمی مورد سنجش و ارزشیابی قرار می‌گیرد (گاسپر و ایفنتلر، ۲۰۱۴). در میان نظریات ذکر شده، مدلی که از سوی کلاین<sup>۳</sup> (۱۹۸۵) در برنامه درسی ارائه شده، نگرش جامع‌تری نسبت به برنامه درسی دارد. این مدل از سه بخش تشکیل یافته که در یک ارتباط متقابل با یکدیگر هستند: بخش اول: دیدگاه (سطوح) برنامه درسی است و شامل ایده‌آل، رسمی، آموزشی، اجرایی و تجربی می‌باشد. بخش دوم: نه عنصر برنامه درسی است که شامل اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، راهبردهای تدریس، مواد آموزشی، گروه‌بندی، فضا (مکان)، زمان و ارزشیابی می‌باشد و بخش سوم: شامل عوامل کیفی برنامه درسی است که عبارتند از: توصیف، تصمیم‌گیری، منطق، اولویت‌ها، نگرش‌ها، تناسب، جامعیت، فردیت، عوامل تسریع‌کننده و بازدارنده (کلاین، ۱۳۶۹). از طرفی، عناصر برنامه درسی در دانشگاه باید با توجه به اهداف مهارت‌محوری و اشتغال‌زایی تدوین و جهت‌گیری جدی‌تری به ایجاد شایستگی‌های لازم در زمینه‌های عمومی و تخصصی دانشجویان داشته باشند تا قادر به پاسخگویی به نیازهای دنیای کار باشند (محمد شفیق، نیستانی، میرشاه جعفری و تقوائی، ۱۳۹۹) و دانشگاه‌ها باید بکوشند با بهبود عناصر برنامه درسی در مواردی مانند اهداف، محتوا، راهبردهای تدریس، بازخورد و ارزشیابی به این مهم دست پیدا کنند (ایو، آپوت، انچو و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱). اینکه برنامه درسی دارای ساختاری پویا و متناسب با نیازهای فرد و جامعه باشد و منافع مورد نظر فردی و اجتماعی مورد انتظار را تامین کند؛ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای این منظور، برنامه‌های درسی آموزش عالی باید دارای شرایط لازم برای دادن شایستگی‌های مورد نیاز اقتصاد و بازار کار متناسب با شرایط روز جامعه باشد (آکیونار، اوزرن و اردامار<sup>۵</sup>، ۲۰۲۰). بنابراین، برنامه درسی نیازمند کاربردی محتوایی شایستگی‌محور برای آماده‌سازی فارغ‌التحصیلانی است که آماده ورود به بازار کار هستند و یکی از راهکارهای موجود در این زمینه اجرای شکلی از برنامه درسی است که فارغ‌التحصیلان بتوانند

1. Sauer mann & Roach

2. Rebollo & Ivars Baidal

3. Klein

4. Iwu, Opute, Nchu et al.

5. Akpunar, Ozeren, Erdamar

پس از فراغت از تحصیل در مورد شغل خود تصمیم بگیرند (ژوبیدی، روحادی و کوداما، ۲۰۲۳). لذا دانشگاه‌ها باید به طور مناسب برنامه‌های درسی تمرین کارآفرینی را افزایش دهند تا شایستگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان را پرورش دهند (وانگ و مانگمیچای، ۲۰۲۲). ارائه مهارت‌های کارآفرینی در برنامه‌های درسی آموزش عالی قادر خواهد بود به کاهش مشکلات ناشی از عدم تطابق تحصیل با شغل کمک کند (کوکل و ویلاتا بوفی، ۲۰۱۹).

**شایستگی کارآفرینانه<sup>۲</sup>:** شایستگی‌های کارآفرینانه به‌عنوان ویژگی‌هایی اساسی مانند دانش عمومی و تخصصی، انگیزه‌ها، صفات، خودانگاره‌ها، نقش‌های اجتماعی و مهارت‌هایی تعریف می‌شوند که منجر به شروع، تداوم یا بقای فعالیتی ریسک‌پذیرانه می‌شوند (بیرد، ۲۰۱۹). اتحادیه اروپا<sup>۳</sup> مفهوم شایستگی‌های کارآفرینی را به‌عنوان مجموعه‌ای از توانایی‌ها با پتانسیل شکل‌دهی به جامعه از طریق ایجاد ارزش در سطوح اجتماعی، فرهنگی یا مالی تعریف کرده است (باچیگالوپا، کمپالیس، پونی و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶) که شامل ظرفیت تفکر سازنده، حل مسائل خلاقانه و برقراری ارتباط موثر است و نشان می‌دهد که فارغ‌التحصیلان برای موفقیت در بازار کار علاوه بر مدارک تحصیلی، به طیف وسیعی از مهارت‌های اساسی نیز نیاز دارند (کانتون<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱). دانشجویان و دانش‌آموختگان به‌عنوان برون‌دادهای اصلی نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها، شاه‌کلید ارزیابی کارایی بهینه آموزش‌های دانشگاهی و کاربست عملی این آموزش‌ها در جامعه محسوب می‌شوند. به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، به علت عدم تطابق بین آموزش دانشجویان با نیازهای بازار کار، دانش‌آموختگان به‌عنوان برون‌داد نظام آموزش عالی، از توانمندی‌های لازم از جمله در حوزه کارآفرینی برخوردار نمی‌شوند و بدون تلاش برای ایجاد فرصت‌های شغلی و مشارکت در توسعه ملی، به سمت استخدام بخش دولتی کشیده می‌شوند (بازرگان، ۱۳۸۰). دانشجویان باید به گونه‌ای پرورش یابند که قابلیت‌های کارآفرینانه در آن‌ها توسعه پیدا کند و این امر زمانی اتفاق می‌افتد که کارآفرینی در قالب و ساختار برنامه درسی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از جایگاهی شایسته برخوردار شود (امینی، تمنایی فر و غلامی علوی، ۱۳۹۲). دانشگاه‌ها موظفند با ارائه یک برنامه درسی غنی، علاوه بر گسترش دانش موضوعی، دانشجویان را برای ورود به دنیای اشتغال آماده کنند و بر این اساس می‌توان از رویکردهای پرورش شایستگی کارآفرینی در طراحی برنامه درسی بهره گرفت (دینینگ<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸). از همین‌رو چندین مؤسسه آموزش عالی، برنامه درسی کارآفرینی را با تمرکز قابل توجهی بر علوم، مهندسی، فناوری، علوم انسانی و هنر، علوم پزشکی و علوم زیستی در برنامه‌های تحصیلی مختلف گنجانده‌اند (تورنر و گیاندویز<sup>۷</sup>، ۲۰۱۸). ماومک<sup>۸</sup> (۲۰۱۳) نیز بر ایجاد نوآوری در برنامه درسی آموزش‌های مهارتی و فنی و حرفه‌ای از طریق ادغام برنامه‌های آموزش کارآفرینی در این برنامه‌ها تاکید می‌کند. ویژگی و هدف اصلی این آموزش‌ها پرورش افرادی خودپایدار و متکی بر خود است اما با وجود رشد برنامه‌های کارآفرینی در دانشگاه‌ها و اهمیت تلفیق محتوا و رویه‌های کارآفرینانه در فرآیند تدریس و آموزش دانشگاهی، همچنان نیاز به توجه به یک برنامه‌ریزی جامع و هماهنگ در رویه‌ها و محتوا، دیدگاه‌ها و ساختار کارآفرینانه در نظام آموزش عالی احساس می‌شود (سوختانلو، ۱۳۹۵). زمانی که بین دانشجویان و اساتید در مورد اهمیت شایستگی‌های کارآفرینی اجماع وجود داشته باشد و دانشجویان اهمیت بیشتری به این شایستگی‌ها در طی دوره تحصیل و گذران برنامه درسی خود می‌دهند، سطح بالاتری از شایستگی در دانشجویان قابل رویت است (گارسیا کابرا، مارتین سانتانا، دلاکروز دنیز و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۲۳).

## روش‌شناسی پژوهش

1 . Djubaedi, Rohadi & Kodama

2 . Entrepreneurship Competence

3 . European Council

4 . Bacigalupo, Kampylis, Punie, et al

5 . Canton

6 . Dinning

7 . Turner, & Gianiodis

8 . Moemeke

9 . García-Cabrera, Martín-Santana, de la Cruz Déniz-Déniz et al.



تحقیق حاضر از لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ روش گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها، پژوهشی پیمایشی - توصیفی مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموختگان سال‌های تحصیلی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰، مقطع کارشناسی دانشگاه سراسری ارومیه به تعداد ۹۳۳۵ نفر تشکیل دادند که در حال حاضر اشتغال به کار داشتند. با استناد به فرمول کوکران<sup>۱</sup> تعداد حداقل نمونه مورد نیاز برای پژوهش ۳۷۰ نفر برآورد شد و نهایتاً تعداد ۴۱۱ نفر (۱۶۹ مرد و ۲۴۲ زن) از فارغ‌التحصیلان شاغل با روش نمونه‌گیری تصادفی به عنوان نمونه در پژوهش مشارکت کردند. جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه خودگزارشی در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای استفاده شد. لازم به ذکر است که در هنگام اجرای پرسشنامه‌ها توضیحات لازم به آزمودنی‌ها ارائه گردید و به آنها در خصوص محرمانه بودن اطلاعات، اطمینان لازم داده شد.

برای سنجش عدم تطابق افقی تحصیل - شغل از پرسشنامه به کار رفته در مطالعه چاودی، سیروتیا و ام‌آر<sup>۲</sup> (۲۰۲۲) با پایایی ۰/۸۷ در ۵ گویه استفاده شد. عدم تطابق عمودی تحصیلات - شغل نیز با استفاده از ۷ گویه مطابق با مطالعات قبلی در این خصوص (ارائه شده توسط چوالیر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳) تهیه شده و پایایی و روایی آن سنجیده شد. برای بررسی کیفیت برنامه درسی دانشجویان، از مقیاس ۵۰ گویه‌ای ساخته شده توسط محمدشفیع و همکاران (۲۰۲۰) با نه زیرمقیاس مطابق با نظریه کلاین (اهداف برنامه درسی، محتوای برنامه درسی، راهبردهای یاددهی و یادگیری، فعالیت‌های یادگیرنده، تجهیزات و امکانات آموزشی، زمان آموزشی، فضای آموزشی، گروه‌بندی و ارزشیابی) استفاده شد که پایایی این پرسشنامه با آلفای کرونباخ ۰/۹۲ در مطالعه مذکور تایید شده است و شایستگی کارآفرینی با پرسشنامه تهیه شده توسط جانسوسالو و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۲۲) در سه حوزه شایستگی مرتبط و به هم پیوسته شامل ایده‌ها و فرصت‌ها<sup>۵</sup>، منابع<sup>۶</sup> و ورود به عمل<sup>۷</sup> در ۱۵ گویه سنجیده شد. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در ۷ کشور از ۰/۸۷ تا ۰/۹۵ متفاوت بوده که حاکی از پایایی مطلوب پرسشنامه دارد. ایده‌ها و فرصت‌ها شامل شایستگی‌های فرعی مانند شناسایی فرصت‌ها، خلاقیت، بینش، ارزش‌گذاری ایده‌ها و تفکر اخلاقی و پایدار هستند. منابع شامل خودآگاهی و خودکارآمدی، انگیزه و پشتکار، بسیج منابع، سواد مالی و اقتصادی و بسیج دیگران است. حوزه سوم با عنوان ورود به عمل، شامل شایستگی‌های فرعی ابتکار، برنامه‌ریزی و مدیریت، مقابله با ابهام، عدم اطمینان و ریسک، کار با دیگران و یادگیری از طریق تجربه می‌شود.

برای سنجش میزان اعتبار ابزار سنجش، تحلیل عاملی تاییدی با استفاده از نرم افزار لیزرل<sup>۸</sup> انجام شد. قبل از ارزیابی مدل ساختاری به منظور ایجاد مدل اندازه‌گیری برازنده و قابل قبول و تعیین این موضوع که آیا نشانگرها به خوبی سازه نظری زیربنایی را اندازه‌گیری می‌نمایند، تحلیل عاملی تاییدی در مورد کلیه عوامل مکنون اجرا شد. مدل ارزیابی شده در این پژوهش شامل ۳ متغیر مکنون: ۱- کیفیت برنامه درسی، ۲- شایستگی کارآفرینی و ۳- عدم تطابق تحصیل - شغل بود. همانطور که در شکل‌های شماره ۲ تا ۷ قابل مشاهده است، هر کدام از متغیرهای مکنون کیفیت برنامه درسی (با ۹ شاخص)، شایستگی کارآفرینی (با ۱۵ شاخص) و عدم تطابق تحصیل - شغل (با ۹ شاخص) که دارای بیشترین بار عاملی بودند مورد سنجش قرار گرفتند. بارهای عاملی (برآوردهای استاندارد) متغیرهای اندازه‌گیری برای عامل مکنون کیفیت برنامه درسی بین ۰/۷۹ تا ۰/۹۶؛ شایستگی کارآفرینی بین ۰/۶۱ تا ۰/۸۳ و برای عامل مکنون عدم تطابق تحصیل - شغل ۰/۳۸ تا ۰/۹۲ بدست آمد که بار عاملی همه نشانگرهای متغیرهای مکنون در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد که این امر نشان‌دهنده روایی همگرایی نشانگرها است.

1. cochran

2. Chavadi, Sirothiya & MR

3. Chevalier

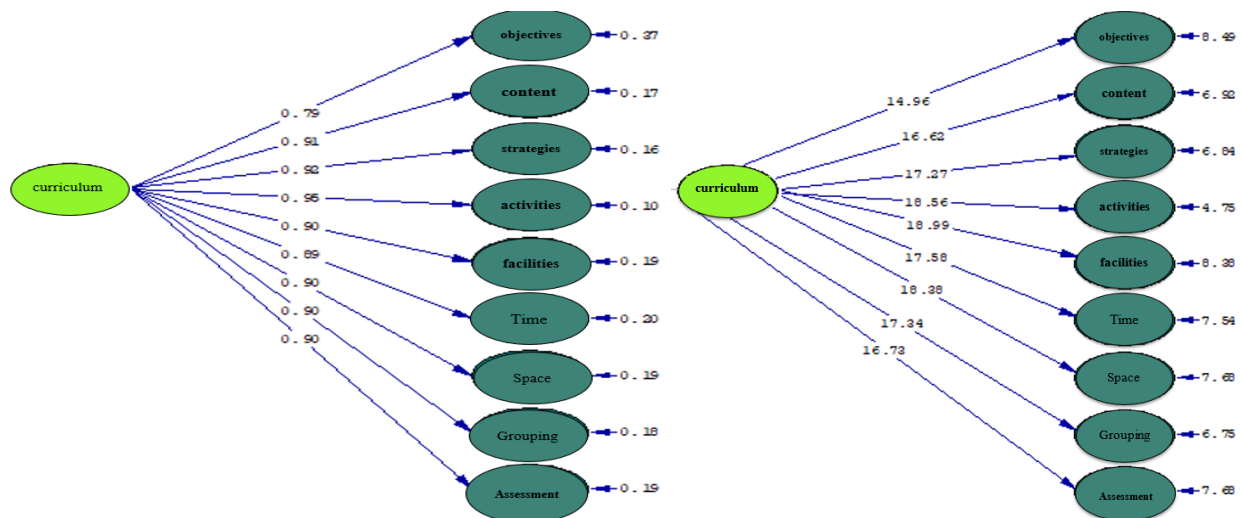
4. Joensuu-Salo et al

5. ideas and opportunities

6. resources

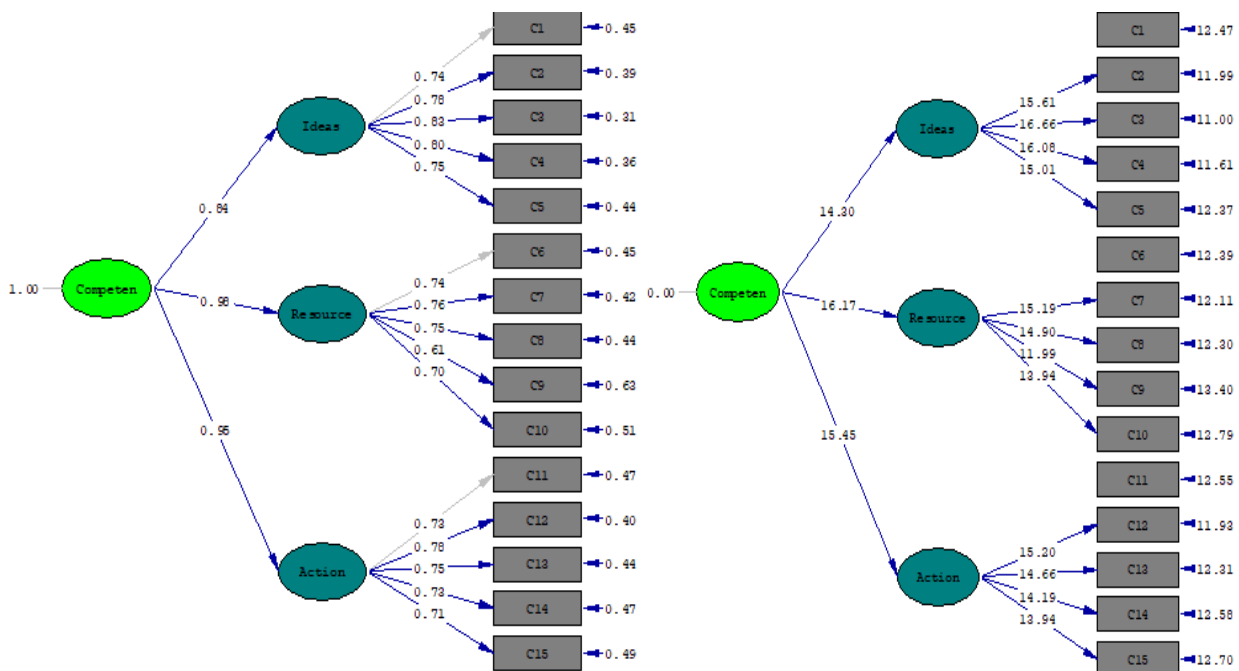
7. into action

8. Linear Structural Relationships (Lisrel)



Chi-Square=3476.93, df=1166, P-value=0.00000, RMSEA=0.070

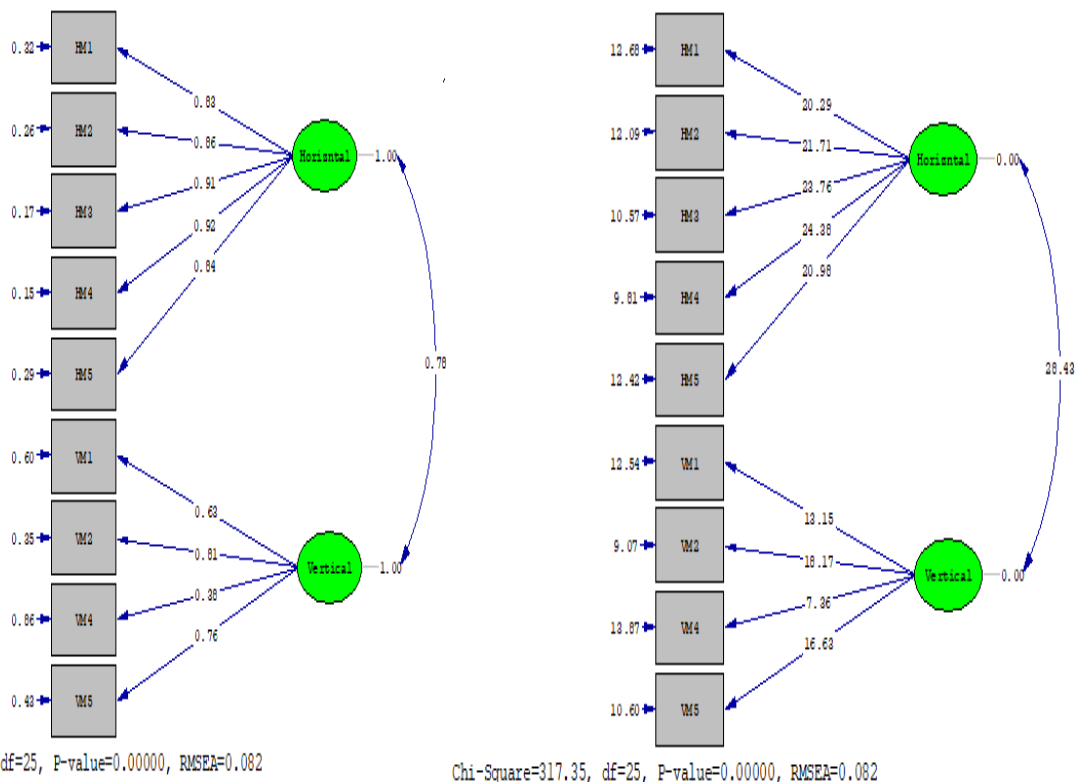
شکل ۲. مدل اندازه‌گیری متغیر مکنون کیفیت برنامه درسی بر اساس ضرایب استاندارد و ضرایب  $t$



Chi-Square=377.84, df=87, P-value=0.00000, RMSEA=0.090

Chi-Square=377.84, df=87, P-value=0.00000, RMSEA=0.090

شکل ۳. مدل اندازه‌گیری متغیر شایستگی کارآفرینی بر اساس ضرایب استاندارد و ضرایب  $t$



شکل ۴. مدل اندازه‌گیری متغیر عدم تطابق تحصیل- شغل بر اساس ضرایب استاندارد و ضرایب t

بررسی میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه‌های استفاده شده در پژوهش با استفاده از نرم‌افزار آماری و به منظور اطمینان از پایایی ابزارهای اندازه‌گیری مطابق با جدول ۲، نشان‌گر آن است که با توجه به اینکه میزان آلفای کرونباخ بدست آمده برای هر یک از شاخص‌های تحقیق، بزرگتر از ۰/۷۰ می باشند، پایای ابزار قابل قبول بوده و این موضوع نشان‌دهنده همبستگی درونی بین متغیرها و قابلیت اعتماد ابزار برای سنجش مفاهیم مورد نظر است.

جدول شماره ۲. ضریب آلفای کرونباخ هر یک از شاخص‌های تحقیق

ضریب آلفای کرونباخ	شاخص
۰/۹۱	اهداف برنامه درسی
۰/۹۲	محتوای برنامه درسی
۰/۹۲	راهبردهای یاددهی
۰/۸۸	فعالیت های یادگیری
۰/۹۲	تجهیزات آموزشی
۰/۹۱	زمان آموزشی
۰/۹۲	فضای آموزشی
۰/۸۹	گروه بندی
۰/۹۴	ارزشیابی
۰/۸۸	ایده‌ها و فرصت‌ها
۰/۸۳	منابع
۰/۸۶	اقدام به عمل
۰/۹۴	عدم تطابق افقی تحصیل-شغل
۰/۷۳	عدم تطابق عمودی تحصیل- شغل

## یافته‌های پژوهش

به منظور ارائه اطلاعات توصیفی مطابق با جدول ۳ به توصیف متغیرهای کیفیت برنامه درسی دانشگاه، شایستگی کارآفرینی و عدم تطابق افقی و عمودی تحصیل - شغل و مولفه‌های آن‌ها پرداخته شد.

جدول شماره ۳. توصیف متغیرهای پژوهش و ابعاد آن‌ها

متغیر	فراوانی	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	نمره ممکن	حداقل و حداکثر
اهداف برنامه درسی	۴۱۱	۱	۵	۲/۳۸	۰/۸۶	۱-۵	
محتوای برنامه درسی	۴۱۱	۱	۵	۲/۱۰	۰/۷۱	۱-۵	
راهبردهای یاددهی	۴۱۱	۱	۵	۲/۵۵	۰/۸۷	۱-۵	
فعالیت‌های یادگیری	۴۱۱	۱	۵	۲/۴۶	۰/۹۱	۱-۵	
تجهیزات آموزشی	۴۱۱	۱	۵	۲/۴۴	۰/۹۲	۱-۵	
زمان آموزشی	۴۱۱	۱	۵	۲/۶۱	۰/۸۹	۱-۵	
فضای آموزشی	۴۱۱	۱	۵	۲/۴۳	۰/۹۰	۱-۵	
گروه بندی	۴۱۱	۱	۵	۲/۴۹	۰/۹۵	۱-۵	
ارزشیابی	۴۱۱	۱	۵	۲/۴۷	۰/۹۳	۱-۵	
کیفیت برنامه درسی	۴۱۱	۱	۵	۲/۴۴	۰/۷۷	۱-۵	
ایده‌ها و فرصت‌ها	۴۱۱	۱	۵	۳/۷۷	۰/۷۸	۱-۵	
منابع	۴۱۱	۱	۵	۳/۹۲	۰/۷۱	۱-۵	
اقدام به عمل	۴۱۱	۱	۵	۳/۸۴	۰/۷۲	۱-۵	
شایستگی کارآفرینی	۴۱۱	۱	۵	۳/۴۴	۰/۷۷	۱-۵	
عدم تطابق تحصیل - شغل افقی	۴۱۱	۱	۵	۲/۷۱	۱/۱	۱-۵	
عدم تطابق تحصیل - شغل عمودی	۴۱۱	۱	۵	۲/۵۶	۰/۸۵	۱-۵	
عدم تطابق تحصیل - شغل کل	۴۱۱	۱	۵	۲/۶۴	۰/۹۱	۱-۵	

قبل از تجزیه و تحلیل فرضیات، لازم به ذکر است که با توجه به اینکه تمامی نمرات حاصل از اندازه‌گیری در این پژوهش، کمی و در مقیاس فاصله‌ای قرار دارند، مطابق با اصول آمار پارامتریک، از اولین و اصلی‌ترین شرایط مربوط به انجام تحلیل‌ها، بررسی توزیع طبیعی نمرات می‌باشد. برای این منظور از آزمون کالموگروف - اسمیرنوف<sup>۱</sup> استفاده شد که نتایج به دست آمده از مقدار Z کلموگروف - اسمیرنوف (مقدار آن در تمام متغیرها غیرمعنادار است)، نشان‌دهنده عدم تفاوت معنادار بین نمرات و نرمال بودن توزیع تمام متغیرهاست (جدول ۴).

جدول شماره ۴. آزمون کالموگروف - اسمیرنوف برای متغیرهای پژوهش

گروه	آماره آزمون	P - value
کیفیت برنامه درسی	۱/۰۶	۰/۳۰
شایستگی کارآفرینی	۱/۳۰	۰/۰۷
عدم تطابق تحصیل - شغل	۱/۲۷	۰/۰۸

همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۵ ارائه شده است. از تحلیل همبستگی میان متغیرهای برون‌زا و درون‌زا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هرگونه افزایش در میزان کیفیت برنامه درسی تجربه شده همراه با افزایش در شایستگی کارآفرینی و کاهش

<sup>۱</sup> . Kolmogorov-Smirnov

در عدم تطابق تحصیل - شغل فارغ التحصیلان شاغل خواهد بود و هر گونه افزایش در میزان شایستگی کارآفرینی همراه با کاهش در میزان عدم تطابق تحصیل - شغل فارغ التحصیلان شاغل خواهد بود.

جدول شماره ۵. ماتریس کوارینانس متغیرهای مکنون

متغیرها	کیفیت برنامه درسی	شایستگی کارآفرینی	عدم تطابق تحصیل - شغل
کیفیت برنامه درسی	۱		
شایستگی کارآفرینی	۰/۱۷۲**	۱	
عدم تطابق تحصیل - شغل	-۰/۲۴۶**	-۰/۳۱۲**	۱

\*\*<0/01

جهت آزمودن اثرات مستقیم و غیرمستقیم مطرح شده در فرضیات پژوهش با بهره‌گیری از روش الگویابی معادلات ساختاری، برازندگی الگوی کلی پیشنهادی بر اساس ترکیبی از سنج‌های برازندگی جهت تعیین کفایت برازش مدل با داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت که در جدول ۶ گزارش می‌شود.

جدول شماره ۶. شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری کلی

شاخص‌ها	X <sup>2</sup>	df	GFI	IFI	RMSEA	NNFI	CFI
مدل‌های نهایی	۱۹۱/۴۵	۷۴	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۰۷۲	۰/۹۱	۰/۹۳

مطابق با اطلاعات جدول ۵، مقدار مجذور خی برای قضاوت در مورد خطی بودن ارتباط سازه‌های مکنون برابر با ۱۹۱/۴۵ در سطح معناداری  $p < 0.01$  بدست آمد. مقدار خی دو بر درجه آزادی ۲/۵۸ می‌باشد. بر اساس این شاخص عدد حاصل این نسبت، نایستی بیشتر از ۳ باشد تا الگو تأیید گردد (کلاپین، ۱۳۸۰) که بر این اساس می‌توان گفت که داده‌های بدست آمده با مدل فرضی مطابقت دارند. مقدار ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب برابر با ۰/۰۷۲ می‌باشد که بر اساس این شاخص اگر مقدار <sup>۱</sup>RMSEA برابر با ۰/۱۰ یا بیشتر باشد، بر برازش ضعیفتر دلالت دارد (هومن، ۱۳۸۸). سایر شاخص‌های <sup>۲</sup>GFI، <sup>۳</sup>IFI، <sup>۴</sup>NNFI و <sup>۵</sup>CFI نیز که هر کدام وجهی از برازش مدل ساختاری را نشان می‌دهند در جدول ۶ آمده است. با توجه به نسبت مقدار مجذور کا به درجه آزادی برابر با ۲/۵۸، شاخص CFI برابر با ۰/۹۳، شاخص GFI برابر با ۰/۹۲، شاخص IFI برابر با ۰/۹۲، شاخص NNFI برابر با ۰/۹۱، شاخص RMSEA برابر با ۰/۰۷۲ و سایر شاخص‌ها، می‌توان گفت مدل نهایی از برازش خوبی برخوردار است. در همین راستا مدل‌های حاصل مطابق با اشکال شماره ۵ و ۶ ارائه می‌شود:

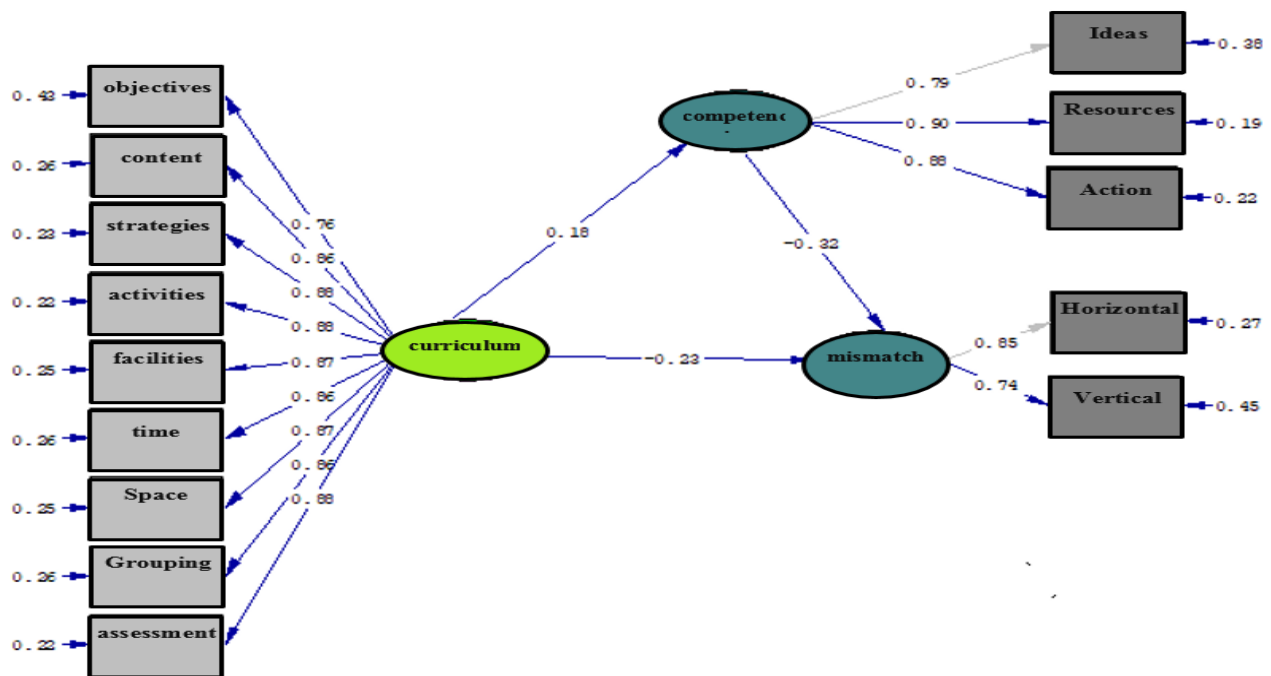
<sup>1</sup> . root-mean-square error of approximation

<sup>2</sup> . goodness-of-fit

<sup>3</sup> . incremental fit in

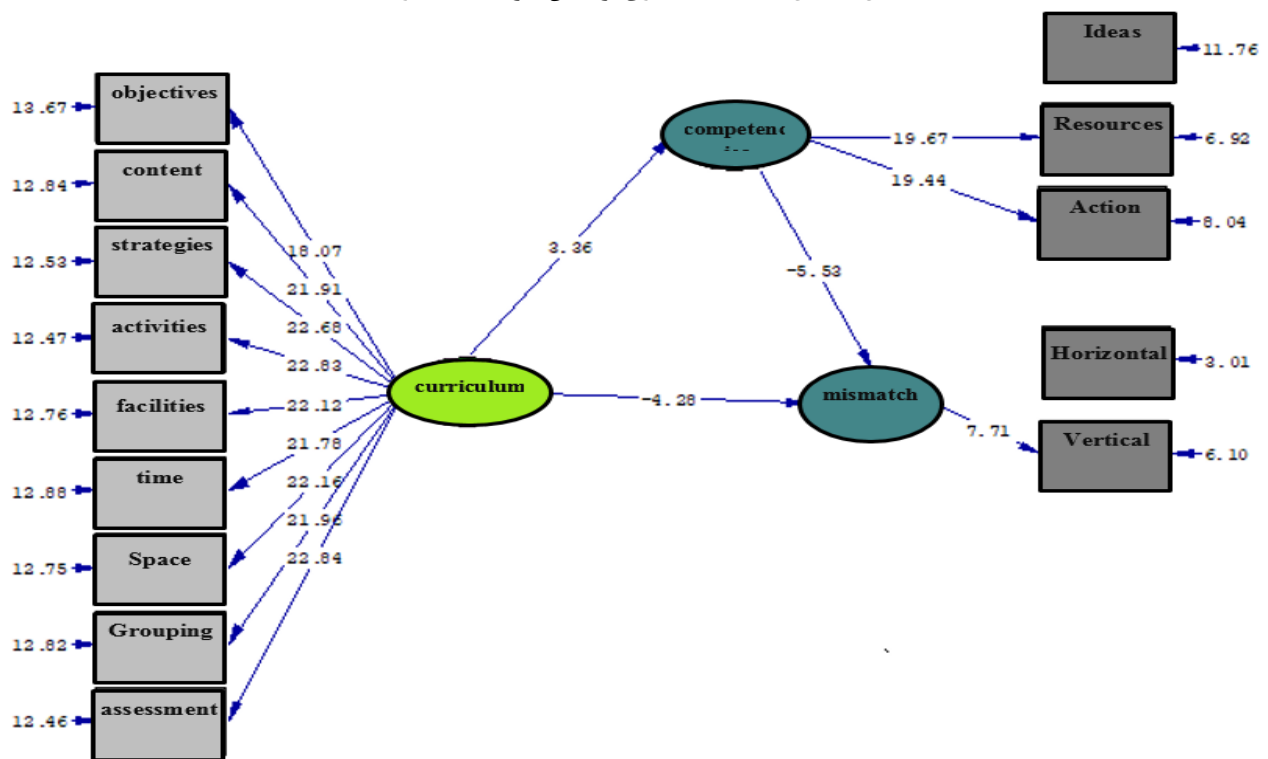
<sup>4</sup> . Nonnormed fit index

<sup>5</sup> . comparative fit index



Chi-Square=191.45, df=74, P-value=0.00000, RMSEA=0.072

شکل ۵. مدل معادلات ساختاری براساس ضرایب استاندارد



Chi-Square=191.45, df=74, P-value=0.00000, RMSEA=0.072

شکل ۶. مدل معادلات ساختاری براساس ضرایب t

مطابق با اشکال فوق، جدول شماره ۷ به بیان ضرائب مسیر و میزان آماره t روابط مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش می‌پردازد:

جدول شماره ۷. ضرائب تاثیر متغیرهای مکنون و نقش میانجی شایستگی کارآفرینی

نتیجه	T	ضریب مسیر استاندارد	مسیر فرضیه ها
اثر مستقیم دارد	-۴/۲۸**	-۰/۲۳	کیفیت برنامه درسی ← عدم تطابق تحصیل-شغل
اثر مستقیم دارد	۳/۳۶**	۰/۱۸	کیفیت برنامه درسی ← شایستگی کارآفرینی
اثر مستقیم دارد	-۵/۵۳**	-۰/۳۲	شایستگی کارآفرینی ← عدم تطابق تحصیل-شغل
اثر غیرمستقیم دارد	-	-۰/۰۶	کیفیت برنامه درسی ← عدم تطابق (از طریق شایستگی کارآفرینی)

\*\* p < 0.01 \* p < 0.05

در توضیح جدول شماره ۷، در مدل ساختاری معناداری ضریب مسیر با استفاده از t (t-value) مشخص می‌شود. چنانچه مقدار t بین ۱/۹۶ الی ۲/۵۷ باشد، ارتباط دو سازه در سطح معنادار است. اگر مقدار t بیشتر از ۲/۵۷ باشد، معناداری ارتباط در سطح  $P < ۰/۰۱$  می‌باشد. بر این اساس در آزمون فرضیات پژوهش می‌توان گفت:

بر اساس معنادار بودن ضریب مسیر بین کیفیت برنامه درسی دانشگاه بر عدم تطابق تحصیل-شغل فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شاغل با  $(B = -۰/۲۳, t = -۴/۲۸)$  در سطح  $P < ۰/۰۱$  چنین نتیجه می‌شود که فرضیه اول تأیید می‌شود. بر اساس معنادار بودن ضریب مسیر بین کیفیت برنامه درسی دانشگاه بر شایستگی‌های کارآفرینانه در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شاغل با  $(B = ۰/۱۸, t = ۳/۳۶)$ ، در سطح  $P < ۰/۰۱$  چنین نتیجه می‌شود که فرضیه دوم تأیید می‌شود. بر اساس معنادار بودن ضریب مسیر بین شایستگی‌های کارآفرینانه بر عدم تطابق تحصیل-شغل در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با  $(B = -۰/۳۲, t = -۵/۵۳)$  در سطح  $P < ۰/۰۱$  چنین نتیجه می‌شود که فرضیه سوم تأیید می‌شود. در مورد فرضیه چهار کیفیت برنامه درسی دانشگاه با ضریب  $۰/۱۸$  دارای اثر مثبت و معنادار بر شایستگی‌های کارآفرینانه است و در عین حال شایستگی‌های کارآفرینانه دارای اثر معنادار منفی بر عدم تطابق تحصیل-شغل با ضریب  $-۰/۳۲$  می‌باشند؛ بنابراین نقش میانجی شایستگی‌های کارآفرینانه در رابطه بین کیفیت برنامه درسی دانشگاه و عدم تطابق تحصیل-شغل در مدل تأیید می‌شود و میزان این اثر غیرمستقیم  $۰/۰۶$  - است.

### بحث و نتیجه گیری

یافته‌های حاصل از تحلیل‌های آماری حاکی از این بود که کیفیت برنامه درسی دانشگاه بر عدم تطابق تحصیل-شغل اثری منفی و معنادار دارد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات پومی و سلزنوا (۲۰۲۱)، کونا و همکاران (۲۰۲۰)، کوکل و ویلاتابوفی (۲۰۱۹)، همن و لیفتر (۲۰۱۰) هم‌راستا بودند. در تبیین این رابطه می‌توان گفت بالاترین بازده از آموزش‌ها و برنامه‌های دانشگاهی برای جامعه زمانی حاصل می‌شود که توانمندی و مهارت‌های افراد به خوبی با نیازهای کارفرمایان مطابقت داشته باشند، به طوری که دانش و مهارت‌هایی که از طریق آموزش به دست می‌آیند به نحو مطلوب در بازار کار استفاده شوند. عدم هماهنگی بین تحصیلات آکادمیک و مهارت‌های مورد نیاز در بازار کار، اقتصاد ایران را نیز تضعیف کرده است و فقدان مهارت‌های عملی و کارآفرینی در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی منجر به افزایش بیکاری در جامعه ایران شده است (نظرزاده و پروین، ۲۰۲۳). با توجه به کارکردهای آموزش عالی، دانشگاه‌ها باید به این خواسته‌های تجاری پاسخ دهند و دانشجویان خود را با برنامه‌های درسی متناسب با نیازهای بازار کار آموزش دهند، چرا که این تناسب باعث بهبود قابلیت اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و نیز افزایش تطابق تحصیلات آن‌ها با مشاغل موجود در بازار کار خواهد شد.

در رابطه با تاثیر کیفیت برنامه درسی دانشگاه بر شایستگی‌های کارآفرینانه در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شاغل یافته‌های پژوهش رابطه مثبت و معنادار را نشان داد. در همین راستا می‌توان به مطالعات ژوبیدی و همکاران (۲۰۲۳)، اخمتشین و همکاران (۲۰۱۹)، گارسیا کابرا و همکاران (۲۰۲۳) و دینینگ (۲۰۱۸) اشاره کرد. همچنین مطابق با نظر ملکی‌پور و همکاران (۲۰۱۷) و اقبال

و همکاران (۲۰۲۲) ادغام و لزوم توجه به شایستگی‌های کارآفرینانه در برنامه درسی بازنگری‌شده دانشگاه‌ها از اهمیتی ویژه برخوردار است. دانشگاه‌ها باید برای به‌روزرسانی برنامه درسی کارآفرینی و ایجاد یک محیط آموزشی مساعد که تغییر مثبتی را برای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در بین دانشجویانشان ایجاد کند، ابتکار عمل داشته باشند (اقبال، اصغر، اصغر، و قار، ۲۰۲۲). برای کاهش موجودی نیروی کار ناسازگار و افزایش خدمات شغلی‌یابی با هدف افزایش تطابق تحصیلات - شغل، باید برنامه‌های فعال‌تر و سیاست‌های افزایش انگیزه کارآفرینی در افراد مد نظر قرار گیرد (الامین<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳). از همین‌رو و مبتنی بر نظر تورنر و گیاندویز (۲۰۱۸) شواهد حاکی از تاثیر ادغام محتوای کارآفرینانه و شایستگی‌محور برنامه درسی در چندین گروه مختلف تحصیلی، نشان می‌دهد یک برنامه درسی کارآفرینانه بر به‌روزرسانی محتوا و مطالب برنامه درسی، استراتژی‌های تدریس و شیوه‌های بازخورد و ارزیابی برای آماده‌سازی فارغ‌التحصیلان برای تبدیل شدن به افرادی خوداشتغال پس از فارغ‌التحصیلی تأکید دارد و با بهبود عناصر برنامه درسی در مواردی مانند اهداف، محتوای برنامه درسی، راهبردهای تدریس، بازخورد و ارزیابی و درگیرکردن ذینفعان در طراحی یک برنامه درسی کارآمد برای دانشجویان می‌توان در راستای بهبود شایستگی‌های کارآفرینی قدم برداشت.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که شایستگی‌های کارآفرینانه بر عدم تطابق تحصیل - شغل در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، تاثیری منفی و معنادار دارند و این نتایج با تحقیقات رانتا و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۷)، کوکل و همکاران (۲۰۱۶) همسو می‌باشد. هرچند میزان مطالعات انجام شده در این رابطه محدود و بررسی اهمیت تاثیرگذاری این شایستگی‌ها بر تطابق نیروی کار با بازار کار، یکی از نوآوری‌های پژوهش حاضر به شمار می‌آید، شایان توجه است که مبتنی بر نتایج و مطالعات موجود، سطوح بالاتر مهارت‌های کارآفرینی احتمال تحصیل بیش از حد را برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کاهش می‌دهد و کسانی که دارای شایستگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینی هستند، عموماً در جستجوی شغلی خود، آگاه‌تر و خلاق‌تر عمل می‌کنند (کوکل و همکاران، ۲۰۱۶). شایستگی‌ها ویژگی‌هایی ذاتی نیستند، بلکه ویژگی‌هایی آموخته شده هستند که آنها را می‌توان در یک زمینه آموزشی یا اجتماعی آموخت و سپس به یک شغل منتقل کرد و عدم تطابق مهارت‌های مشهود فارغ‌التحصیلان و نیازهای کارفرمایان در بروز بیکاری و مشکلاتی از این قسم را برطرف نمود (رانتا، سیورز و گوپلند<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷). از همین‌رو برای انتقال موفقیت‌آمیز فارغ‌التحصیلان از دانشگاه به بازار کار، انتظار می‌رود تا برنامه‌درسی ارائه‌شده در دوره آموزش عالی، قادر باشد تا دانش، مهارت‌ها و شایستگی‌های نرم اشاره‌شده تحت عنوان شایستگی کارآفرینی را در دانشجویان به عنوان سرمایه‌های انسانی بهبود بخشد. مهارت‌هایی مانند مسئولیت‌پذیری، انعطاف‌پذیری و توانایی رویارویی با چالش‌ها، روحیه ابتکار، میل به انجام ریسک‌های حساب شده و در عین حال پذیرفتن چالش‌های پیش‌رو، که برای دستیابی به نتایج عالی در دنیای اشتغال ضروری است.

با وجود این‌که آموزش عالی نقش مهمی در اقتصاد مدرن و فراصنعتی امروزی ایفا می‌کند، اما انتقال موفقیت‌آمیز دانشجویان به آموزش عالی و بازار کار فرآیندی پیچیده و طولانی‌مدت است. در همین راستا و با توجه به ضرورت همگام شدن با روند تحولات علمی و فناوری بین‌الملل، نتایج حاصل از این‌قسم پژوهش‌ها علاوه بر یاری به اصلاح مسیر و سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی، می‌تواند روشی جهت افزایش آگاهی برنامه‌ریزان اقتصادی از واقعیت‌ها، نیازها و مشکلات برنامه‌ریزی‌های درسی در پاسخگویی به اقتضانات بازار کار باشد و نیز گامی موثر به سوی بهبود وضعیت روانی جامعه و ارتقاء رضایتمندی دانش‌آموختگان آموزش عالی و همچنین افزایش اثربخشی این قشر برای جامعه و کشور خواهد بود. نتایج حاصل از مطالعه پدیده‌هایی از این نوع، سیاست‌گذاران آموزش عالی و سیاست‌گذاران بازارکار را در حل بهتر بحران بیکاری، به ویژه در قشر تحصیل‌کرده دانشگاهی، یاری می‌کند و به فهم بهتر بهره‌وری حاصل از تحصیلات دانشگاهی و بازده ناشی از فعالیت شغلی دانش‌آموختگان می‌انجامد، به طوری که گفته می‌شود آموزش عالی و دانشگاه کارآفرین، به شکلی مستقل از بازار کار و اشتغال، قادر به تداوم برنامه‌های خود نخواهند بود و بازارکار برای

1 . Iqbal, Asghar, Asghar & Waqar

2 . Elamin

3 . Ranta et al.

4 . Ranta, Sievers & Guillard



تامین منابع انسانی سازنده خود لاجرم نیازمند بهره‌گیری از خروجی‌های شایسته و توانمند نظام آموزش عالی است. از همین رو پیشنهاد می‌شود که:

- برنامه ریزان درسی مهارت‌های نرم و اشتغال‌زای گنجانده شده در مفهوم شایستگی‌های کارآفرینی را در ضمن ساختاربندهی برنامه درسی دانشگاهی در دروس تخصصی دانشجویان رشته‌های مختلف ادغام نمایند. ادغام و ارائه چنین مهارت‌ها و شایستگی‌هایی قادر خواهد بود تا فارغ‌التحصیلان را هرچه سریع‌تر با بازار کار پیوند دهد و دانش‌آموختگان دانشگاهی به بهره‌گیری سریع‌تری از تحصیلات خود دست خواهند یافت. همچنین توجه به زمینه‌های عمومی و تخصصی مهارتی در برنامه درسی دانشگاهی، فارغ‌التحصیلان را قادر به شناسایی نیازهای جدید در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای، ملی و حتی در سطح جهانی نموده و نقش سازنده‌ای برای دانشگاه‌ها از نظر تربیت افراد متخصص در جهت نقش‌آفرینی در توسعه درازمدت و پایدار کشور، فراهم می‌سازد.
- دانشگاه‌ها علاوه بر کارکردهای علمی، فرهنگی و اجتماعی، به خواسته‌های تجاری جامعه پاسخ دهند و دانشجویان خود را با برنامه‌های درسی متناسب با نیازهای بازار کار بیوروند، چراکه این تناسب باعث بهبود قابلیت اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی می‌شود و نیز با پرورش افرادی متخصص و کارآفرین، قادر خواهد بود تا حدودی معضل کمبود بازار کار و اشتغال دولتی و کمبود تولید کشور را با تکیه بر نیروی انسانی متخصص، کارآفرین، ماهر و شایسته جبران نماید.
- دانشگاه‌ها با تدارک دوره‌های موازی کارآفرین پرور و شایستگی گستر در کنار برنامه درسی مصوب دانشگاهی و یا معرفی دانشجویان مستعد به مراکز نوآوری و کارآفرینی، خلا موجود در ارائه مهارت‌های نرم در برنامه درسی خود را جبران نمایند و نیز زمینه‌های لازم جهت معرفی دانش‌آموختگان کارآفرین به بازار کار را فراهم سازند.

### سپاسگزاری

از مشارکت معاونت محترم پژوهشی و فارغ‌التحصیلان دانشگاه ارومیه تشکر و قدردانی می‌شود.

### References

- ابونوری، ع.، و زارع‌زاده، الف. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سطح تحصیلات و نرخ بیکاری در ایران. اولین کنفرانس ملی جایگاه مدیریت و حسابداری در دنیای نوین کسب و کار، اقتصاد و فرهنگ.
- امینی، م.، تمنایی‌فر، م. ر. و غلامی علوی، ص. (۱۳۹۲). ارزیابی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان؛ بازاندیشی در مأموریت‌های برنامه‌ی درسی آموزش عالی. فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، ۶(۱)، ۱۴۵-۱۶۴.
- بازرگان، ع. (۱۳۸۰). ارزشیابی آموزشی (مفاهیم، الگوها، فرآیند عملیاتی). تهران: انتشارات سمت.
- پروین، الف. و نظرزاده زارع، م. (۲۰۲۳). تأملی بر چالش‌های جهت‌دهی پژوهش‌های دانشگاهی به سمت نقش‌آفرینی در حل مشکلات و رفع نیازهای کشور. فصلنامه بازیابی دانش و نظام‌های معنایی.
- ترکزاده، ج.، مرزوقی، ر. الف.، محمدی، م.، سلمی، ق.، و کشاورزی، ف. (۱۳۹۵). تدوین چارچوب ارزشیابی برنامه‌های درسی آموزش عالی بر اساس رویکرد راهبردی. مجله پژوهش‌های برنامه‌ریزی، ۶(۱۲)، ۴۱-۶۴.
- درتومی، الف.، سلیمی‌فر، م. و ملک‌الساداتی، س. س. (۱۳۹۶). ناهمخوانی تحصیل-شغل در بازار کار ایران. اقتصاد و توسعه منطقه ای، ۲۴(۱۳)، ۶۸-۹۴.
- سوختانلو، م. (۱۳۹۵). تحلیل اثربخشی نظام آموزش عالی کشاورزی بر پرورش قابلیت‌های کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشاورزی (مورد مطالعه: دانشگاه محقق اردبیلی). راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی، ۳(۶)، ۳۴-۴۳.
- شکوری، ع. و بهادری، م. (۱۳۹۸). چالش‌های شاغلین دارای مشاغل غیرمرتبط با رشته تحصیلی. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۰(۲)، ۲۲۱-۲۴۴.

شیرجنگ، الف،، عزیزاده، م.، مرتضوی، ف.، اصغری جعفرآبادی، م.، و جدی، الف. (۱۳۹۱). انطباق برنامه درسی دوره کارشناسی رشته بهداشت عمومی با نیازهای شغلی و وظایف مورد انتظار سیستم بهداشتی: دیدگاه کارشناسان این رشته در مورد سرفصل‌ها و محتوای دروس. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱۲ (۱۰): ۷۶۸-۷۷۷.

عابدینی بلترک، م.، و کمالی اردکانی، ح. م. (۱۴۰۰). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر کیفیت آموزشی رشته کارشناسی علوم تربیتی با استفاده از رویکرد ویکور فازی (مطالعه موردی: دانشگاه مازندران). رویکردهای نوین آموزشی، ۱۵ (۲): ۱۷۹-۱۹۴.

کالین، پ. (۱۳۸۰). راهنمای آسان تحلیل عاملی، ترجمه سید جلال صدرالسادات و اصغر مینایی، انتشارات سمت: تهران.

کلاین، ف. (۱۳۶۹). استفاده از یک مدل تحقیقاتی به عنوان راهنمای فرایند برنامه درسی. ترجمه محمود مهر محمدی. فصلنامه تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش)، ۶ (۲۱): ۱۹-۳۱.

محمدشفیعی، م.، نیستانی، م.، ز.، میرشاه‌جعفری، س. الف.، و تقوائی، و. (۱۳۹۹). ارزیابی کیفیت برنامه درسی در آموزش‌های مهارتی؛ مطالعه موردی: رشته معماری دانشکده فنی و حرفه‌ای شریعتی تهران. رویکردهای نوین آموزشی، ۱۵ (۱): ۷۹-۱۰۲.

مومنی مهموئی، ح.، کاظم‌پور، الف. و تفرشی، م. (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی؛ راهبردی مطلوب برای توسعه شایستگی‌های اساسی. دوماهنامه علمی- پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۴ (۳): ۱۴۳-۱۴۹.

هومن، ح. ع. (۱۳۸۸). مدل‌یابی معادلات ساختاری. چاپ سوم، تهران: سمت.

- Agarwal, R., & Ohyama, A. (2013). Industry or academia, basic or applied? Career choices and earnings trajectories of scientists. *Management Science*, 59(4), 950-970.
- Akhmetshin, E. M., Mueller, J. E., Yumashev, A. V., Kozachek, A. V., Prikhodko, A. N., & Safonova, E. E. (2019). Acquisition of entrepreneurial skills and competences: Curriculum development and evaluation for higher education. *Journal of Entrepreneurship Education*, 22(1), 1-12.
- Akpunar, B., Ozeren, E., & Erdamar, F. S. (2020). *Over Education as a Problem of Higher Education Curriculum*.
- Åstebro, T., Chen, J., & Thompson, P. (2011). Stars and misfits: Self-employment and labor market frictions. *Management Science*, 57(11), 1999-2017.
- Bacigalupo, M., Kampylis, P., Punie, Y., & Van den Brande, G. (2016). EntreComp: The entrepreneurship competence framework. *Luxembourg: Publication Office of the European Union*, 10, 593884.
- Bird, B. (2019). Toward a theory of entrepreneurial competency. In *Seminal ideas for the next twenty-five years of advances* (pp. 115-131). Emerald Publishing Limited.
- Bright, L. (2008). Does public servicemotivation really make a difference on the job satisfaction and turnover intentions of public employees? *The American Review of Public Administration*, 38(2), 149-166.
- Canton, H. (2021). International Labour Organization—ILO. In *The Europa Directory of International Organizations 2021* (pp. 333-338). Routledge.
- Chan, S. J., & Lin, L. W. (2015). Massification of higher education in Taiwan: Shifting pressure from admission to employment. *Higher education policy*, 28, 17-33.
- Chavadi, C. A., Sirothiya, M., & MR, V. (2022). Mediating role of job satisfaction on turnover intentions and job mismatch among millennial employees in Bengaluru. *Business Perspectives and Research*, 10(1), 79-100.
- Chevalier, A. (2003). Measuring over-education. *Economica*, 70(279), 509-531.
- Cyranoski, D., Gilbert, N., Ledford, H., Nayar, A., & Yahia, M. (2011). Education: The PhD factory. *Nature*, 472(7343), 276-280.
- Dinning, T. (2019). Articulating entrepreneurial competencies in the undergraduate curricular. *Education+ Training*, 61(4), 432-444.
- Djubaedi, D., Rohadi, T., & Kodama, Y. (2023). Core entrepreneurial competencies for local content curriculum. *International Journal of Educational Qualitative Quantitative Research*, 2(1), 12-17.
- Elamin, O. A. (2023). Overeducation wage penalty for university graduates: evidence from the MENA region using machine learning techniques. *Middle East Development Journal*, 1-38.

- García-Cabrera, A. M., Martín-Santana, J. D., de la Cruz Déniz-Déniz, M., Suárez-Ortega, S. M., García-Soto, M. G., & Melián-Alzola, L. (2023). The relevance of entrepreneurial competences from a faculty and students' perspective: The role of consensus for the achievement of competences. *The International Journal of Management Education*, 21(2), 100774.
- Gosper, M., & Ifenthaler, D. (2014). *Curriculum models for the 21st century*. Springer.
- Habets, O., Stoffers, J., Heijden, B. V. D., & Peters, P. (2020). Am I fit for tomorrow's labor market? The effect of graduates' skills development during higher education for the 21st Century's labor market. *Sustainability*, 12(18), 7746.
- Hennemann, S., & Liefner, I. (2010). Employability of German geography graduates: The mismatch between knowledge acquired and competences required. *Journal of Geography in Higher Education*, 34(2), 215-230.
- Igwe, P. A., Lock, D., & Rugara, D. G. (2022). What factors determine the development of employability skills in Nigerian higher education? *Innovations in Education and Teaching International*, 59(3), 337-348
- Iqbal, J., Asghar, M. Z., Asghar, A., & Waqar, Y. (2022). Impact of entrepreneurial curriculum on entrepreneurial competencies among students: The mediating role of the campus learning environment in higher education. *Frontiers in Psychology*, 13, 950440.
- Iwu, C. G., Opute, P. A., Nchu, R., Eresia-Eke, C., Tengeh, R. K., Jaiyeoba, O., & Aliyu, O. A. (2021). Entrepreneurship education, curriculum and lecturer-competency as antecedents of student entrepreneurial intention. *The International Journal of Management Education*, 19(1), 100295.
- Joensuu-Salo, S., Viljamaa, A., & Varamäki, E. (2022). Testing the EntreComp framework and its relation to start-up behaviour in seven European countries. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 29(6), 920-939.
- Klein, M. F. (1985). Curriculum design. international encyclopedia of education: Curriculum studies. Volume II. Husen, T. and Postlethwaite editors.
- Kohnová, L., Papula, J., Papulová, Z., Stachová, K., & Stacho, Z. (2020). Job mismatch: The phenomenon of overskilled employees as a result of poor managerial competences. *Entrepreneurship and Sustainability Issues*, 8(1), 83.
- Kucel, A., & Vilalta-Buñi, M. (2019). University program characteristics and education-job mismatch. *The BE Journal of Economic Analysis & Policy*, 19(4), 20190083.
- Kucel, A., Róbert, P., Buil, M., & Masferrer, N. (2016). Entrepreneurial skills and education-job matching of higher education graduates. *European Journal of Education*, 51(1), 73-89.
- Mahuteau, S., K. Mavromaras, P. Sloane & Z. Wei (2015). Horizontal and vertical educational mismatch and wages. *NILS working papers*, 216.
- Malekipour, A., Hakimzadeh, R., Dehghani, M., & Zali, M. R. (2017). Content analysis of curriculum syllabus for the educational technology discipline based on entrepreneurial competencies. *Interdisciplinary Journal of Virtual Learning in Medical Sciences*, 8(4).
- Malekipour, A., Hakimzadeh, R., Dehghani, M., & Zali, M. R. (2018). Analysis of entrepreneurial competency training in the curriculum of bachelor of physical education in universities in Iran. *Cogent Education*, 5(1), 1462423.
- Moemeke, C. D. (2013). Innovating science education for technical entrepreneurship: The curriculum dimension. *Business & Entrepreneurship Journal*, 2(2), 39-46.
- Nisha, S. M., & Rajasekaran, V. (2018). Employability skills: A review. *IUP Journal of Soft Skills*, 12(1), 29-37.
- O'Dwyer, L., & White, I. (2019). The dynamics of qualifications: Implications for VET. Research Report. *National Centre for Vocational Education Research (NCVER)*.
- Olori, G. I., & Olori, C. N. (2018). Strategies and challenges for empowering youth through technical vocational education and training programme in rivers state: Benchmark journals. *African Journal of Educational Assessors*, 6(1), 121-131.
- Oreopoulos, P., Von Wachter, T., & Heisz, A. (2012). The short-and long-term career effects of graduating in a recession. *American Economic Journal: Applied Economics*, 4(1), 1-29.
- Oyer, P. (2006). The macro-foundations of microeconomics: Initial labor market conditions and long-term outcomes for economists. Report, National Bureau of Economic Research, Cambridge, MA.

- Park, K. (2018). Vertical and horizontal mismatches and career mobility: evidence from female college graduates. *Asian-Pacific Economic Literature*, 32(2), 109-125.
- Perry, J. L., Hondeghem, A., & Wise, L. R. (2010). Revisiting the motivational bases of public service: Twenty years of research and an agenda for the future. *Public Administration Review*, 70(5), 681–690.
- Pitan, O. S., & Adedeji, S. O. (2012). Skills Mismatch among University Graduates in the Nigeria Labor Market. *Online Submission*.
- Pompei, F., & Selezneva, E. (2021). Unemployment and education mismatch in the EU before and after the financial crisis. *Journal of Policy Modeling*, 43(2), 448-473.
- Ranta, L., Sievers, A., & Guiland, A. (2017). Shared responsibility of higher education institutes (HEI) and their partners in assuring nursing students employability skills. In *ICERI2017 Proceedings* (pp. 1247-1255). IATED.
- Rebollo, F. V., & Ivars Baidal, J. A. (2004). Sustainability indicators in Spanish tourism. *Plicy, University of Alicante*.
- Rudakov, V., Figueiredo, H., Teixeira, P., & Roshchin, S. (2019). The impact of horizontal job-education mismatches on the earnings of recent university graduates in Russia.
- Sauermann, H., & Roach, M. (2016). Why pursue the postdoc path? *Science*, 352(6286), 663-664.
- Somers, M. A., Cabus, S. J., Groot, W., & van den Brink, H. M. (2019). Horizontal mismatch between employment and field of education: Evidence from a systematic literature review. *Journal of Economic Surveys*, 33(2), 567-603.
- Steijn, B. (2008). Person-environment fit and public service motivation. *International Public Management Journal*, 11(1), 13–27.
- Stephan, P. (2012). *How economics shapes science*. Harvard University Press.
- Stern, S. (2004). Do scientists pay to be scientists? *Management science*, 50(6), 835-853.
- Stevens, K. (2008). Adverse economic conditions at labour market entry: Permanent scars or rapid catch-up. *University of Sydney*.
- Taneja, G., & Bala, A. (2023). Do the e-commerce and digital marketing curriculum of Indian B-schools embrace employability skills?. *World Review of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, 19(3-5), 178-194.
- Venesaar, U., Antonelli, G., Dorożyński, T., Duarte, H., Kallaste, M., Riviezzo, A...& Santos, S. C. (2021). Understanding the needs for the development of entrepreneurship competencies in universities: A comparative analysis between students and employees.
- Verhaest, D., Sellami, S. and Velden, R.V.D. (2015), “Differences in horizontal and vertical mismatches across countries and fields of study”, *International Labour Review*, Vol. 156 No. 1, pp. 1-23.
- Wang, J., & Mangmeechai, A. (2022). Impact of entrepreneurship knowledge literacy curriculum on college graduates’ sustainable entrepreneurial competence based on entrepreneurial learning theory. *International Journal of Sustainable Development & Planning*, 17(4).
- Wardani, L. M. I., Sekarini, D. A., Syaputra, R. D., Kartikawati, M. S., Dawanti, R., Mulia, D. D. A., & Malek, M. D. A. (2021). Career of horizontal education mismatch workers: Career competency, job crafting, and work engagement. *Journal of Education and Learning (EduLearn)*, 15(3), 414-424.
- Warren, D. E. (2003). Constructive and destructive deviance in organizations. *Academy of Management Review*, 28(4), 622–632.
- Wright, B. E., & Pandey, S. K. (2008). Public service motivation and the assumption of person-organization fit: Testing the mediating effect of value congruence. *Administration & Society*, 40(5), 502–521.
- Yao, Y. (2019). Does higher education expansion enhance productivity? *Journal of Macroeconomics*, 59, 169-194.
- Zimmer, W. K., & Keiper, P. (2021). Redesigning curriculum at the higher education level: challenges and successes within a sport management program. *Educational Action Research*, 29(2), 276-291.